

معاون وزیر خارجه
دیوید نیوسام در
۳۰ مارس گفت،
آنها می‌خواستند
«تا به پاکستانی‌ها،
سعودی‌ها و دیگران
نشان بدهند که
برای جلوگیری
از گسترش نفوذ
شوروی در جهان
سوم مصمم هستیم

یازده سپتامبر انجامید و به جنگی نوزده ساله و ادامه‌دار منتهی شد که بیش از یک تریلیون دلار هزینه و هزاران نفر تلفات داشته است. ولی سروکله زدن با تمام اینها بر عهده جانشینان کارتر بود؛ او باید نگران تهاجم شوروی می‌بود.

داستان تغییر رژیم در افغانستان - دست کم، تغییر رژیم نخست - در واقع از شش ماه پیش از آن حمله و تصمیم کارتر در تابستان ۱۹۷۹ برای حمایت نظامی از شورشیان ضد کمونیست در آن کشور شروع می‌شود. طی سلسله‌ای از جلسات پیشین در سطوح عالی در بهار همان سال، مقامات ارشد حکومتی به گزینه‌هایی اندیشیدند تا «گرایش به شوروی و حضور فعلی آن در افغانستان را معکوس کنند». چنان که معاون وزیر خارجه دیوید نیوسام در ۳۰ مارس گفت، آنها می‌خواستند «تا به پاکستانی‌ها، سعودی‌ها و دیگران نشان بدهند که برای جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی در جهان سوم مصمم هستیم». شرکت‌کننده‌ها در این جلسه این را نیز بررسی کردند که آیا ایالات متحده کمک به شورشیان را نیز در دستور کار قرار بدهد یا خیر - چنان که کارمند پنتاگون والتر سلوکومب گفت «شوروی‌ها را به باتلاقی مثل ویتنام بکشانیم» - ولی نگران بودند که با این کار شوروی شدت به خرج بدهد. جنگ طلبان دوران جنگ سرد همچون مشاور امنیت ملی، زیگنیف برژینسکی موافق اقداماتی محکم‌تر بودند تا به خاطر حمایت از دولت کمونیست برای مسکو هزینه‌تراشی کند، از سمت دیگر در دولت کسانی همچون وزیر خارجه سایروس ونس بودند که می‌خواستند از هر اقدامی که اهداف دیگر را به خطر می‌انداخت اجتناب کنند؛ اهدافی همچون توافقات خلع سلاح که به خودی خود سست و شکننده بودند.

پس از ماه‌ها بحث داخلی، در ۳ ژوئیه ۱۹۷۹، کارتر «حکم» ریاست جمهوری صادر کرد که - تحت نام رمز عملیات سایکلون ۵ - مجوز کمک پنهانی مستقیم به شورشیان را می‌داد، کمک در زمینه‌هایی همچون پروپاگاندا، عملیات‌های روانی، همچنین تجهیزات رادیویی و پانصد هزار دلار در قالب وجه نقد و تجهیزات غیرنظامی. برای آنکه درگیری بالا نگیرد، هیچ سلاحی فراهم نیاموردند، گرچه این محدودیت فقط تا زمان تهاجم شوروی پابرجا ماند. در جواب تهاجم شوروی، کارتر مجوز تدارک مخفیانه تسلیحات، از جمله سلاح کمری، برای شورشیان افغان، همچنین تحریم غلات ایالات متحده، بایکوت المپیک‌های ۱۹۸۰ مسکو و تعلیق تلاش‌ها برای تصویب تعهدنامه محدودسازی جنگ‌افزارهای استراتژیک را داد (که همگی رسماً اعلام شدند). محموله نخست تسلیحات که عمدتاً آنفیلد ۳۰۳ و تفنگ‌های کلاشنیکف بود، با تعجیل ارسال شد و تا ژوئیه ۱۹۸۰، به گفته رابرت گیتس مقام رسمی سیا در آن زمان، «برنامه مخفی گسترش چشمگیری یافت تا همه نوع تسلیحات و تدارکات نظامی برای مجاهدین را شامل بشود». کارتر پیش از آن از کنگره درخواست کرده بود تا بودجه نظامی ایالات متحده بیش از ۵ درصد رشد داشته باشد و در سخنرانی سالانه وضعیت کشور در ژانویه ۱۹۸۰ سوگند خورد که ایالات متحده از تمام ابزار ضروری، از جمله قوای نظامی، استفاده می‌کند تا نگذارد قوایی بیگانه (اتحاد جماهیر شوروی) منافع حیاتی ایالات متحده در خلیج فارس را تهدید کند؛ این سوگند به رهنامه کارتر معروف شد.

هدف این اقدامات آن بود که هزینه‌مداخله را برای مسکو بالا ببرد و جلوی تخاصم بیشتر